

نقاشی‌های معمارانه از ابتدای تاریخ

نویسنده: فریال جواهری

از ابتدای تاریخ، از صد هزار سال پیش که بشر در غارها و یا کپره‌های دست ساز ابتدایی سکنی گزید، تا به امروز که در پیچیده‌ترین بناها زندگی می‌کند، انسان درگیر معماری بوده و تا ابد نیز با معماری خواهد بود. اما سؤال این است: نقاشی کشیدن برای برنامه ریزی و طراحی بناها از چه زمانی آغاز شد؟ اولین نقاشی معمارانه موجود، پلان باغی است، متعلق به مصریان باستان، که در ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بر روی سنگ حکاکی شد و در واقع می‌توان گفت تقریباً همان باغی است که جلوی معبد «ال دیر» در ممفیس ساخته شده است.



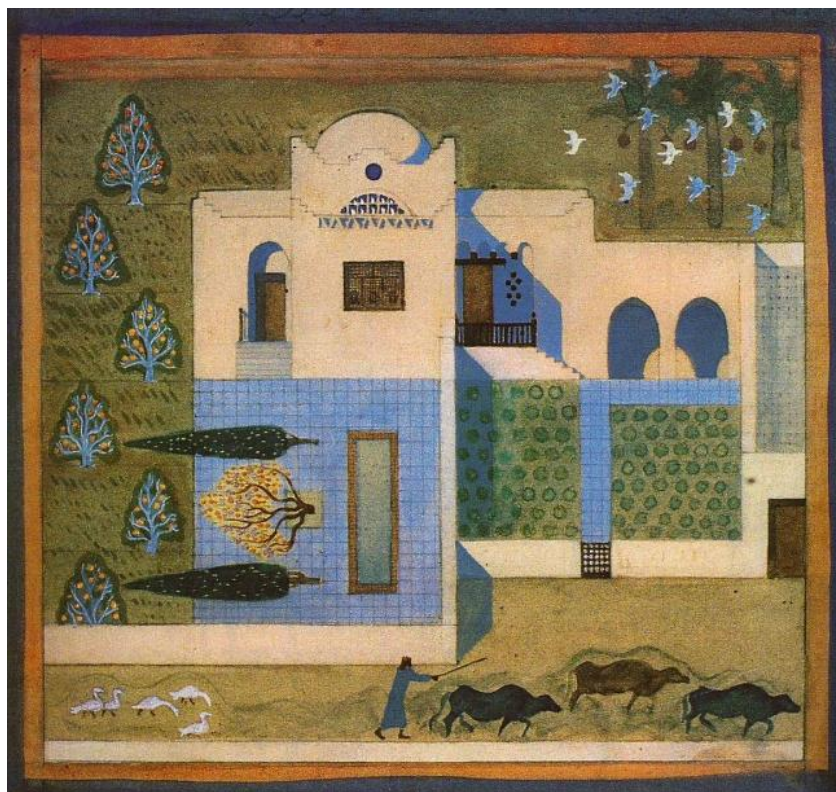
بعد از آن نقشه‌ای از پلان طبقه همکف قصر «نورعدد» در لارسا موجود است که آن نیز متعلق به مصریان است و تاریخ آن به سال‌های ۰۶۸۱-۰۶۱۲ قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد.



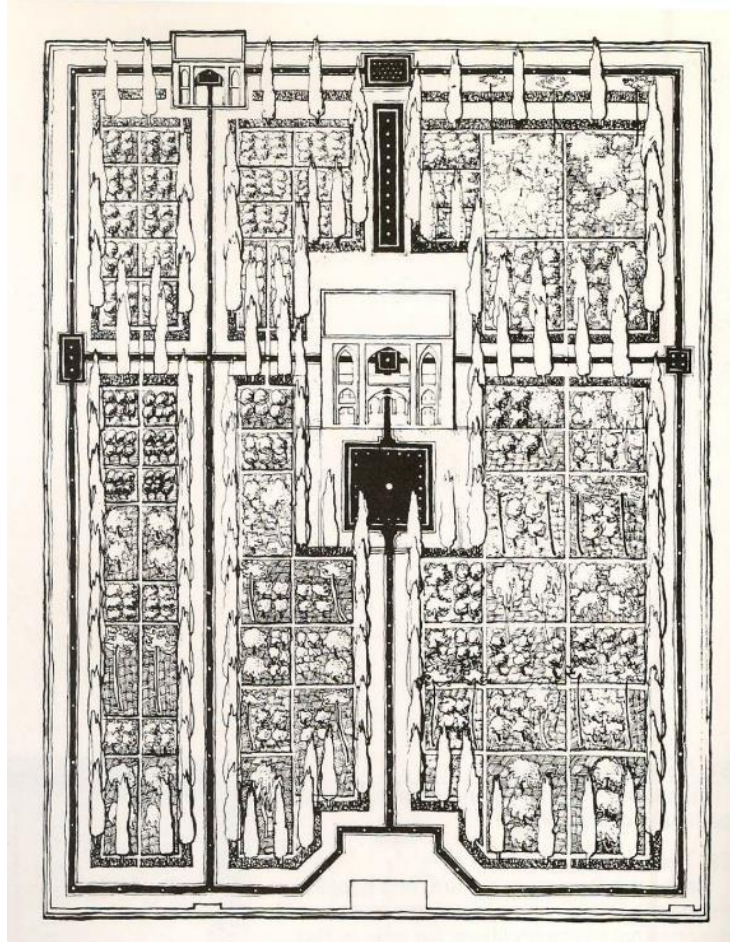
و باز هم نقشه‌ای بی‌نظیر از یک آبنا با نمای درختان در چهار طرف آن از مصریان داریم که این باغ در تیس واقع شده و متعلق به ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد است. این سبک نقاشی که به صورت کودکانه پلان را با نما در می‌آمیزد مورد استفاده بسیاری از معماران در سال‌های آتی بوده است.



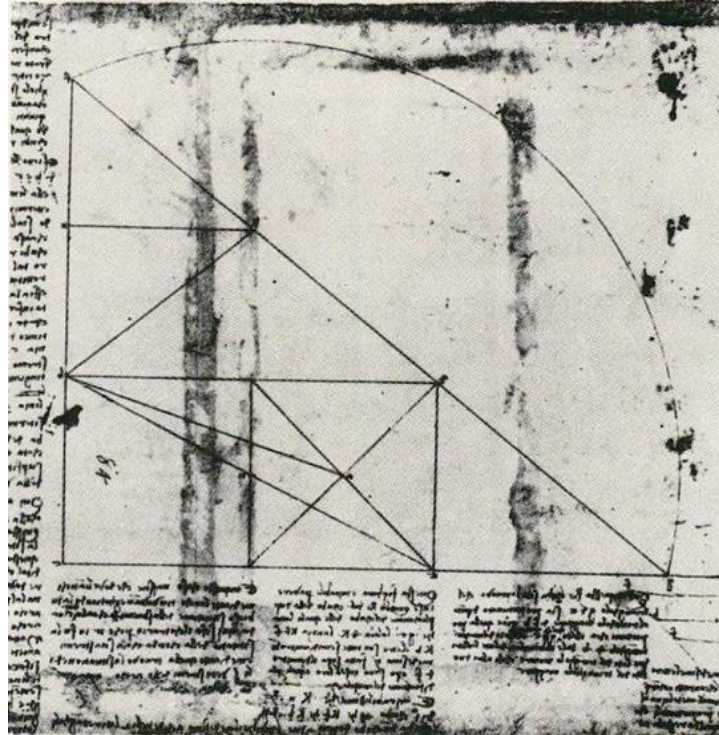
حسن فتحی که خود نیز مصری بود نقاشی‌های بسیاری به این سبک تولید نمود که محبوب‌ترین آنها برای من اسکیزی است که از خانه عبدالرزیک کشیده است.



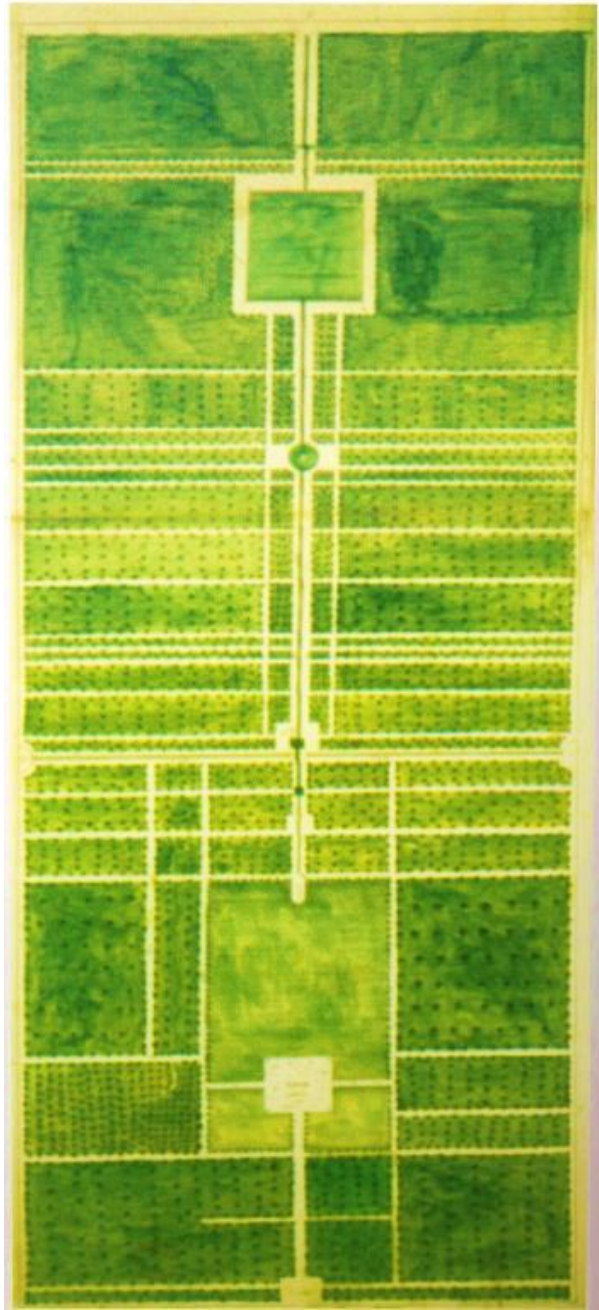
در این بین نقاشی نادر اردلان، که خود او شیفته آثار حسن فتحی بود، از باغ فین کاشان که در کتاب «حس وحدت» به چاپ رسیده است را نیز بسیار می‌پسندم.



تمدن یونانی معماری را به اوج شکوفایی هنر و علم رساند و انتظار می‌رفت که نقاشی‌های استادانه‌ای از بناهایی که ساخته‌اند به جا گذاشته باشند، اما متأسفانه مدرکی از چنین نقاشی‌هایی باقی نمانده است. برخلاف آن گنجینه‌ای از نقاشی معمارانه از تمدن رومی توسط ویتروویوس کشیده شده است. در این بازنگری خلاصه تاریخی نمی‌توان از لئوناردو داوینچی ذکر خیر نکرد. به نظر من تجزیه و تحلیل هندسی‌اش از مربع و دایره بسیار تاثیرگذار بوده است و بدون تردید لوکوربوزیه آن را مطالعه کرده قبل از آن که اسکیس معروف حلزونی‌وار مربع‌های مجموعه فیبوناچی‌اش را ترسیم کند.



و اما در مورد کشور خودمان، از تمدن ایرانی قبل از دوره صفوی موفق به پیدا کردن نقاشی معمارانه‌ای نشده‌ایم. هرچند گمان می‌کنم که استاد معماران ایرانی برای ساختن بناهای باشکوه و با چنین پیچیدگی هندسی دقیق می‌بایست پلان و نما کشیده باشند تا بتوانند آنها را اجرا کنند، اما تصور نمی‌کنم که برای بناهای خود مقطع کشیده باشند، زیرا راه پله‌ها بزرگترین نقص همه این بناهاست در غیر این صورت راه پله‌هایی که بسیار مشکل ساز و دارای اندازه‌های نامناسب و با ارتفاع بیشتر از استاندارد اند هرگز اجرا نمی‌شدند و شاید برای اولین بار استاد معمار ایرانی زمان ساخت قصر عالی قاپو چندین مقطع از بنا رسم و ارتفاع مناسب را برای پله‌ها محاسبه کرده است. این بنا اولین ساختمان «بلند مرتبه» معماری ایرانی محسوب می‌شود که دارای هفت طبقه است. اولین نقاشی معمارانه که توانستم پیدا کنم، پلان باغ فرح آباد (اصفهان) است که تقریباً در همان زمان از کتابخانه ملی فرانسه سر درآورد.



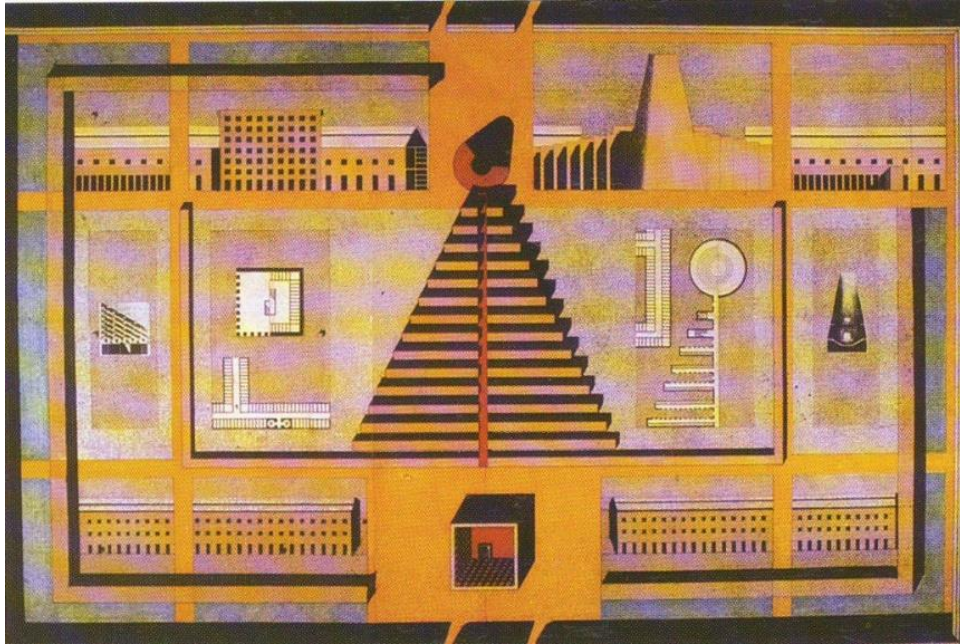
لحظه‌ای که نقاشی معمارانه می‌کشیم لحظه‌ای بسیار شاعرانه است، چون در آن لحظه است که افکارمان شکل عینی و واقعیت به خود می‌گیرد. در لحظه آغاز، اشکال بسیار مبهم و گنگ هستند اما رفته رفته واضح‌تر می‌شوند. کشیدن نقاشی معمارانه یک فرآیند فکریست. ما معماران برای شروع ابتدا چند خط روی کاغذ پوستی می‌کشیم که معمولاً یک پلان است. طرح‌های اولیه اغلب غیر واضح و فقط برای خود معمار مفهوم‌اند. اما بعد روی آن یک لایه پوستی دیگری می‌گذاریم و خط‌های درست را حفظ نموده و خط‌هایی که به نظر غلط و نامناسب هستند را حذف می‌کنیم و این کار را آنقدر ادامه می‌دهیم تا به طرح دلخواه‌مان برسیم.

در مورد خود من معمولاً این روند تا هفت یا ده لایه پوستی ادامه پیدا می‌کند و بین هر لایه پوستی چندین روز زمان می‌گذرد. نقاشی را روی میز می‌گذاریم و می‌رویم و باز می‌گردیم و بدقت بیشتری آن را نگاه می‌کنیم و اصلاح می‌کنیم و زمانی که همه ابهامات آن برطرف شد آن را با رایانه ترسیم می‌کنیم. هنگام کشیدن یک نقاشی معمارانه این دست ماست که به ما کمک می‌کند تا آنچه را که در ذهن خود تصور می‌کنیم متبلور شود. رابطه عمیق و مستقیمی بین آنچه که دست آن را می‌کشد و ذهنی که آن را تصور می‌کند وجود دارد ولی متأسفانه این رابطه به راحتی با صفحه رایانه بوجود نمی‌آید، زیرا رایانه از افکار مبهم عاجز است.

در این اواخر در سال ۲۰۰۰ در دانشگاه ییل همایشی بود با موضوع «ارزش اسکیس‌های معماری» و این سوال را مطرح می‌کرد که آیا این نوعی هنر گمشده است یا خیر؟ طبیعتاً مایکل گریوز یکی از سخنرانان اصلی این همایش بود، زیرا او یکی از نادر معمارانی است که نقاشی‌هایش از بناهایی که ساخته است معروف‌تر و مهم‌تر است. نقاشی‌هایش در گنجینه‌های موزه‌های بزرگ نظیر مترو پلینن، موما و حتی موزه هنرهای معاصر تهران و قرار گرفته‌اند. گریوز می‌گوید «که سه نوع نقاشی معمارانه داریم: نقاشی ارجاعی، نقاشی آماده سازی و نقاشی تثبیت شده.» او می‌گوید: «نقاشی تثبیت شده پیشرفته و نهایی است و در زمان ما تقریباً همه جا با رایانه ترسیم می‌شود. نقاشی ارجاعی مشابه یک یادداشت تصویری است، سندی است از اکتشافات معمار، که می‌تواند شبیه یادداشتی تند نویسی شده از یک طرح مفهومی باشد، یا جزئیات یک طرح بزرگتری را آشکار سازد. ممکن است همیشه واقعیتی را نمایان نسازد زیرا سعی دارد ایده‌ای را جذب کند.... این نوع نقاشی به من یادآوری می‌کند که چرا در وهله اول به فکر ثبت کردن آن افتادم... این رابطه «احشائی» با رایانه هرگز بوجود نمی‌آید. «و بالاخره، نقاشی آماده سازی را به سبکی که من در ابتدا توضیح دادم توصیف می‌کند، که چطور لایه لایه طرحی شکل می‌گیرد. در پایان او بر تفاوت بنیادی بین اسکیس دستی و نقاشی‌های رایانه‌ای تأکید می‌کند.» به نظرم این (طراحی با دست) کاملاً متفاوت است با (طراحی پارامتریک) که اجازه می‌دهد رایانه که از تعدادی دستورات عمل شکل تولید کند... این طرح‌ها، پیچیده و جالب هستند اما محتوای حسی طرحی که از کار دست مشتق شده است را ندارند.» و من کاملاً در این زمینه با نظر وی موافقم و حتی اضافه می‌کنم که برای من اسکیس‌های «دست ساز» جذاب‌تر و هنری‌تر از نقاشی طرح‌های رایانه‌ای هستند. دو طرح زیر از نمای کتابخانه مرکزی دنور اثر خود گریوز، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد.



برخی از معمارانی که زیباترین اسکیس‌های معماری را کشیدند و آنها را به صورت کتاب چاپ نموده، و این رسم را به اوج هنری خود رسانده‌اند، عبارتند از آلدو روسی، لئون کریر و البته مایکل گریوز.



قبرستان مودنا اثر آلدوروسی

ایده راه‌اندازی این نمایشگاه وقتی شکل گرفت که به دادگاه بین‌المللی لاهه رفتم، در مهر ماه ۰۹۳۰ مسؤل بودم نقاشی‌های معمارانی که موزه هنرهای معاصر قبل از انقلاب خریداری نموده بود را ارزیابی کنم. چاپ‌های بسیار خوبی از این نقاشی‌ها دیدم، آثاری از مایکل گریوز، پیتز آیزمن و روبرت استرن، آنجا بود که فهمیدم اسکیس‌های معماران خودمان هیچ دست کمی از آنها ندارند و به این فکر افتادم که چه خوب می‌شد اگر موزه‌های خودمان هم اسکیس‌های معماران ایرانی را برای گنجینه‌هایشان خریداری می‌نمودند. در ضمن خیلی مایل بودم که این نوع نقاشی‌ها وارد بازار هنر معاصر پر رونق ایران شوند. تکنیک کاملاً متفاوت نقاشی‌های این سه معمار، گریوز، آیزمن و استرن، من را بر این وا داشت که برای این نمایشگاه نیز سبک‌های مختلفی اتخاذ نمایم، طیف وسیعی که از چند خط ساده شکل گرفته تا نقاشی رنگی کامل. هر معمار تکنیکی را انتخاب می‌کند که بهترین شکل حال و هوای فضایی را که در ذهنش می‌بیند بی‌آفریند. در این نمایشگاه نگاه من به معماری نیست، معماری این آثار را قضاوت نمی‌کنم بلکه به سبک نقاشی‌های پدید آمده، که کار دست معروف‌ترین معمارانمان هستند، می‌پردازم.

نخستین نمایشگاه اسکیس‌های معماری، فقط به پروژه‌های معمارانه می‌پردازد و شامل هر نوع اسکیس از مناظر و ابنیه و حتی پورتره یا طبیعت بی‌جان نمی‌شود. چنین نمایشگاهی توسط مرحوم معصومه سیحون در اوائل انقلاب برگزار شده بود.

تمام تلاشم را کردم تا نقاشی‌های هوشنگ سیحون و محسن فروغی را از بناهای شاخصشان پیدا کنم، اما متأسفانه موفق نشدم. در اینجا هشت معمار را انتخاب کردم که اکثراً شاگردان مرحوم سیحون بودند و تقریباً در یک رده سنی هستند. ازین که چهار معمار در این میان نیستند هم متأسفم. عزیز فرمانفرمائیان و سید هادی

میرمیران که نقاشی هایشان در گیر انحصار و وراثت هستند ، و علی سردار افخمی و کامران دیبا که آثارشان اوائل انقلاب ثبت شده و در دسترس نیستند.

در انتها این نمایشگاه را به مرحوم سیحون پیشکش میکنم زیرا او نخستین معمار ایرانی بود که گنجینه معماری ایران چشم او را گرفت و این عشق را به شاگردانش منتقل نمود که اکنون بخشی از آثارشان در این نمایشگاه گرد هم آمده است .سیحون واقعا استاد نقاشی بود، همانطور که شاسی دوران بوزار او گواهی میدهد و جایزه دوم را در آن سال تحصیلی برای او به ارمغان آورد.

